

چانکایشك در اظهاریه ۲۱ ژانویه که از "بازنشستگی" خویش صحبت کرد کلمه‌ای در انتقاد از شرایط هشتگانه بر زبان نراند. حتی شرایط پنج‌گانه خویش را پس گرفت و بجای آنها این عبارات را گذاشت:

"نیل به صلحی مبتنی بر اینکه حاکمیت و تمامیت ارضی باید حفظ شود، سیراث فرهنگی و نظم اجتماعی باید بر جای بماند و زندگی و آزادیهای خلق باید تأمین گردد". چانکایشك دیگر جرأت نکرد مسایلی از قبیل قانون اسامی، سیستم قضائی، و ارتش را به پیش بکشد. از این جهت بود که روز ۲۲ ژانویه لی زون ژن جرأت کرد شرایط هشتگانه حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات بپذیرد، و از این جهت است که سرسختان گومیندان جرأت نکرده‌اند آنها را آشکارا رد کنند و فقط با زبان الکن میگویند: "دولت نمیبایست آنها را بپذیرد."

آیا سون کا پیوسته سیاست "تساوی حقوق در مالکیت ارضی" را مراعات کرده است؟ نه. وی پس از آنکه روز ۶ فوریه ۱۹۴۹ "دولت را به گوان جو انتقال داد" روز ۷ فوریه نطقی ایراد کرد و درباره مسئولیت جنگ چنین گفت:

در طی شش ماه اخیر، توسعه آفت جنگ موجب تغییراتی جدی در اوضاع شده و مصائب بیمانندی برای خلق بیار آورده است. ریشه همه اینها در خطاها، شکست‌ها و نابخردی‌های گذشته است. وخامت اوضاع کنونی نتیجه آنهاست. ما همه ایمان داریم که سه اصل خلق برای چین ضروری است. تا این سه اصل خلق تحقق نیابد مسائل چین حل نمیشود. بخاطر بی‌آوریم که بیست سال قبل پیشوای حزب ما شخصاً سه اصل خلق را بما وصیت کرد، باین امید که بتدریج به تحقق درآید. اگر بتحقق درآمده بود

هرگز اوضاعی چنین علاج ناپذیر پیش نیامد .

بعربی ملاحظه میشود که صدر شورای اجرایی دولت گویندگان در اینجا به تقسیم مسئولیت جنگ بسهام متساوی میان احزاب مختلف ، میان همه هموطنان ما نمیردازد بلکه آن را برعهده خود گویندگان میاندازد . جای خوشوقتی است که سون کا فقط بر سرین گویندگان چوب سیزند . اما عقیده اش درباره حزب کمونیست چیست ؟ صدر سون میگوید : میتوان دید که حزب کمونیست چین فقط با مطالبه تساوی حقوق در مالکیت ارضی که یکی از عناصر یکی از سه اصل خلق یعنی اصل رفاه خلق است توانست خلق را بفریبد و در خواب کند . ما میبایست از شرمساری سرخ میشدیم ، بر هشیاری خویش میافزودیم و بررسی انتقادی مجددی از خطاهای گذشته خویش دست میزدیم .

متشکریم ، صدر عزیز ! اگر حزب کمونیست چین باز هم به جنایت " فریفتن و در خواب کردن خلق " متهم است لاقلاً جنایات فجیع تر دیگر مرتکب نشده و بنابر این از چوب خوردن جسته است و میتواند با سر و سرین سالم راه خود را در پیش گیرد .

لطف صدر سون باینجا ختم نمیشود . وی باز در همین نطق میگوید :

توسعه کنونی نفوذ کمونیسم معلول این امر است که اصولی که ما بان ایمان داریم تحقق نیافت . بزرگترین خطای حزب ما در گذشته این بود که برخی از اعضایش پرستنده زور بودند و بر سر قدرت با یکدیگر نزاع میکردند و باین طریق بدشمن فرصت میدادند که تخم نفاق در صفوف ما بیفشانند . پایان جنگ هشت ساله مقاومت فرصتی بود ، فرصتی که يك بار در هزار سال

بدست می‌آید ، که وحدت مسالمت‌آمیز کشور عملی گردد . در آن موقع دولت نقشه‌ای داشت که اختلافات داخلی را با وسائل سیاسی حل کند ولی متأسفانه این نقشه اجراء نشد . خلق پس از سالها جنگ و در هم ریختگی به احیاء فوری احتیاج داشت . آغاز مجدد جنگ ، زندگی را بر خلق غیرممکن گردانید و مصائب عظیمی بر او وارد آورد . از اینجا بود که روحیه سپاهیان صدمه دید و شکست‌های مکرر نظامی را موجب گردید . پرزیدنت چانکایشک با احترام احساسات عمومی و با در نظر گرفتن اینکه وسائل نظامی به نتیجه نرسیده‌است روز اول سال پیاسی بسود صلح انتشار داد . بسیار خوب ! سون کا جنایتکار جنگ بدون آنکه دستگیر شده باشد و چوب بخورد در اینجا بمیل خود اعترافات صریح و مقرون به حقیقت کرده است . کیست که پرستنده زور بود ، جنگ را برانگیخت و فقط آنگاه از صلح دم زد که معلوم شد وسائل نظامی در حل مسئله ناتوان است ؟ خود گومیندان ، خود چانکایشک . وقتیکه صدر سون میگوید ” برخی از اعضاء “ حزب او پرستنده زور بودند کلمات خود را بدرستی انتخاب میکند . این با مطالبه حزب کمونیست چین مطابقت دارد که میخواهد فقط عده‌ای از اعضاء گومیندان ، نه بیشتر و بطریق اولی نه همه آنها ، بمجازات برسند و بعنوان جنایتکار جنگ شناخته شوند .

باین طریق بر سر تعداد بین سون کا و ما اختلافی نیست . اختلاف فقط بر سر نتیجه‌ای است که باید گرفته شود . ما بر آنیم که ” برخی از اعضاء “ گومیندان ، همان‌هایی که ” پرستنده زور بودند “ و موجب ” آغاز مجدد جنگ “ شدند که ” زندگی را بر خلق غیرممکن گردانید “ باید بعنوان جنایتکار جنگ بمجازات برسند . اما سون کا موافق نیست و میگوید :

حزب کمونیست که تعیین نمایندگان خود را بتأخیر میاندازد و پیوسته دفع‌الوقت میکند نشان میدهد که او نیز پرستنده زور است، نشان میدهد که وی بر آنستکه اینک بالش بقدر کافی قوی شده و قادر است سراسر کشور را بوسیله زور فتح نماید و بالنتیجه از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند. قصد او کاملاً روشن است. من رسماً اعلام میدارم که بمنظور نیل به صلح پایدار باید مذاکرات از دو طرف بر پایه تساوی شروع شود و شرایط باید درست و عادلانه و برای همه خلق پذیرفتنی باشد.

از اینجا معلوم میشود که صدر سون آنقدر هم بر سر لطف نیست. مسلماً وی بر این عقیده است که مجازات جنایتکاران جنگ، شرط درست و عادلانه‌ای نیست. سخنان او در مسئله جنایتکاران جنگ شباهت بسیار به سخنانی دارد که در «آموزش‌های خاص برای تبلیغات» صادر از شعبه تبلیغات گویندگان مورخ ۱۳ فوریه دیده میشود. او نیز دچار لکننت زبان است و جرأت ندارد مخالفت خویش را صریحاً اظهار کند. او از این حیث با لی زون ژن که جرأت میکند و مجازات جنایتکاران جنگ را بعنوان یکی از شرایط اساسی مذاکرات می‌پذیرد تفاوت آشکار دارد.

معدلك صدر سون آنقدر هم بی‌لطف نیست. البته بعقیده او حزب کمونیست "نیز پرستنده زور است" زیرا که "تعیین نمایندگان خود را بتأخیر میاندازد" و "از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند". ولی معدلك فرق بسیار است بین این حزب و گویندگان که از همان سال ۱۹۴۶ پرستنده زور بود و جنگی آنچنان جانکه برانگیخت. بسیار خوب، حزب کمونیست "تعیین نمایندگان خود را بتأخیر انداخته است" زیرا که تنظیم فهرستی از جنایتکاران جنگ کار سترگی است. باید این فهرست

” برای همه خلق پذیرفتنی باشد “ و فهرست زیاد کوتاه یا زیاد بلند با واقعیت نمیخواند و ممکن نیست از طرف ” قاطبه خلق “ (باستثنای جنایتکاران جنگ و همدستان آنان) پذیرفته شود . برای این کار باید با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای بحث کرد و این امر تا اندازه‌ای موجب ” دفع الوقت “ گردیده و ما را از تعیین سریع نمایندگان خویش باز داشته و ناخشنودی سون کا و نظایر او را باعث شده‌است . اما از اینجا نمیتوان بطور قطع نتیجه گرفت که حزب کمونیست ” نیز پرستنده زور است “ . احتمال می‌رود که بزودی فهرست جنایتکاران جنگ منتشر شود ، نمایندگان ما تعیین گردند و مذاکرات بوقوع پیوندد . و آنگاه دیگر صدر سون نمیتواند بگوید که ما ” پرستنده زوریم “ .

در مورد اینکه حزب کمونیست ” از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند “ ، این روش صحیحی است که ما در مطابقت با پیام اول سال پرزیدنت چان برگزیده‌ایم . وی در این پیام گفته بود :

همینکه حزب کمونیست چین تمایل صمیمانه به صلح داشته

باشد و شواهد صریحی در این زمینه نشان دهد دولت یا او با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود درباره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح بذاکره پردازد .

ولی روز ۱۹ ژانویه شورای اجرائی سون کا قطعنامه‌ای بر خلاف پیام چانکایشک انتشار داد و در آنجا تمایل خود را باینکه ” نخست (به‌مراه حزب کمونیست چین) به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه پردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند “ اعلام داشت . روز ۲۱ ژانویه سخنگوی حزب کمونیست چین این قطعنامه ناپهردانه را شدیداً انتقاد کرد (۲) . اما بر خلاف انتظار

ما گوش صدر شورای اجرائی باین انتقاد بدهکار نبود . وی روز ۷ فوریه مجدداً بر خلاف عقل سلیم اظهار داشت که حزب کمونیست با "سرباز زدن از آغاز قطع مخاصمه" نشان میدهد که او نیز "پرستنده زور است" . حتی چانکایشک جنایتکار جنگ خوب میدانند که قطع مخاصمه و استقرار صلح بدون مذاکره ممکن نیست . در این زمینه سون کا خیلی از چانکایشک عقب است .

چنانکه همه میدانند سون کا از آن جهت در جزو جنایتکاران جنگ است که پیوسته از چانکایشک در برانگیختن و ادامه جنگ پشتیبانی کرده است . وی هنوز در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ میگفت : " بشرط آنکه در عرصه نظامی تا آخر مبارزه کنیم دیر یا زود مسئله حل خواهد شد . " و نیز میگفت : " عجبالتاً مسئله مذاکرات صلح نمیتواند مطرح باشد . دولت ملی باید حزب کمونیست را خورد کند ، وگرنه حزب کمونیست است که او را سرنگون خواهد ساخت . " (۳) سون کا یکی از آن " برخی از اعضاء " گویندگان است که پرستنده زور بودند . اینک وی در کناری ایستاده و سخنان بیپوده سر داده است ، توگوئی که خود او هرگز پرستنده زور نبوده و هیچ مسئولیتی در تحقق نیافتن سه اصل خلق نداشته است . این شرافتمندانه نیست . سون کا ، خواه از لحاظ قانون کشور و خواه از لحاظ انضباط گویندگان ، نمیتواند از آن چوبکاری که سزاوار آن است بگریزد .

یادداشتها

۱ - اشاره است به منطقه کوههای ای شان ومون شان ، در استان شان

دون . سپاه ۶ ؛ دارودسته گوان سی به‌مراه سپاهیان چانکایشک بر این منطقه حمله آورد . این سپاه که از طریق دریا از جزیره های نان آمده و در اکتبر ۱۹۴۶ در چینگ دائو پیاده شده بود در فوریه ۱۹۴۷ در منطقه لای او از استان شان دون بکل نابود گردید .

۲ - مراجعه شود به « تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین درباره قطعنامه شورای اجرائی نانکن » ، جلد حاضر .

۳ - اشاره است به نظریاتی که سون کا ، معاون آن روزی پرزیدنت دولت گومیندان ، در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ در مصاحبه با خبرنگار آسوشیتدپرس ، خبرنگارهای روزنامه گومیندان موسوم به « جون یان ژیبائو » و روزنامه « سین مین یائو » در نانکن اظهار داشت .

www.KetabFarsi.com

گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(۵ مارس ۱۹۴۹)

نیروی عمده ارتش گومیندان در اثر سه عملیات اپراتیو لیاوسی - شن یان ، حوای های ، بی پین - تیائزین نابود شده است . از سپاهیان رزمنده گومیندان فقط کمی بیش از یک میلیون نفر باقی مانده است که در نواحی وسیعی از سین جیان تا تایوان در جبهه های بسیار عریضی

دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از پنجم تا سیزدهم مارس سال ۱۹۴۹ در دهکده سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان سه به تشکیل یافت . در این پلنوم سی و چهار عضو کمیته مرکزی ونوزده نامزد کمیته مرکزی شرکت داشتند . این جلسه که در آستانه پیروزی انقلاب خلق چین در سراسر کشور دعوت شده بود ، جلسه فوق العاده مهمی بود . رفیق مائو تسه دون در گزارشی که بجلسه تقدیم داشت ، آن رهنمودهائی را که برای تسریع پیروزی انقلاب در سراسر کشور و برای تأمین این پیروزی لازم

پراکنده‌اند. از این پس برای تعیین سرنوشت این سپاهیان گویندگان بیش از سه طریقه وجود ندارد: طریقه تیانزین، طریقه بی پین و طریقه سوی یوان (۱). نابود کردن دشمن از راه نبرد، آنطور که ما در تیانزین انجام دادیم، باید کماق السابق نخستین هدف توجه و کار تدارکاتی ما باشد. کلیه فرماندهان و جنگجویان ارتش آزادیبخش توده‌ای هرگز نباید موجبات مستی اراده رزمنده خویش را فراهم آورند، هرگونه تفکری که باعث مستی اراده رزمنده شود و بدشمن کم‌بها دهد، نادرست است. امکان حل مسئله از طریقه بی پین افزایش یافته‌است، بدین معنی که سپاهیان دشمن مجبور میشوند بطور سالم‌آمیز برطبق سیستم ارتش آزادیبخش توده‌ای تجدید سازمان سریع و کامل یابند و بصورت واحدهای آن ارتش در آیند. این راه حل برای محو سریع بقایای ضد انقلاب و برانداختن سریع نفوذ سیاسی آن بخوبی حل مسئله از طریق نبرد نیست. اما این راه حل پس از نابودی قسمت عمده نیروهای دشمن راه حلی است که

بود، تشریح نمود. رفیق مائو تسه دون توضیح داد که در اثر پیروزی مرکز ثقل کار حزب باید از ده بشهر انتقال یابد؛ وی آن سیاست اساسی را که حزب پس از پیروزی در سراسر کشور در عرصه سیاست، اقتصاد و دیپلماسی باید در پیش گیرد، معین کرد و وظایف عمومی و راه عمده‌ای را که باید تعقیب شود تا چین از صورت کشوری زراعتی بصورت یک کشور صنعتی، از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی تحول یابد، مقرر ساخت و بویژه وضع بخشهای مختلف اقتصاد چین آن روز و سیاست صحیحی را که حزب برحسب شرایط مذکور باید اتخاذ کند، تحلیل کرد، راهی را که چین برای تحقق تحول سوسیالیستی ضرورتاً باید پیماید، نشان داد، انحرافات رنگارنگ "چپ" و راست را در این مورد بباد انتقاد گرفت، و اعتقاد محکم خود را مبنی بر اینکه اقتصاد چین با آهنگ نسبتاً سریع رشد خواهد کرد، بیان داشت. رفیق مائو تسه دون وضع جدید مبارزه

حتماً پیش خواهد آمد و اصولاً ناگزیر است ؛ از طرف دیگر راه حل مذکور بصرفه ارتش ما و خلق است ، زیرا که اجتناب از تلفات و خرابیها را ممکن میسازد . از اینجهت رفقای رهبری ارتشهای صحرائی مختلف باید توجه خویش را باین شکل از مبارزه معطوف دارند و بکار بردن آن را بیاموزند . این يك شکل مبارزه است ، شکلی از مبارزه بدون خونریزی ، ولی بآن معنا نیست که مسائل بدون مبارزه میتوانند حل شوند . طریقه سوی یوان اینست که عمداً بخشی از سپاهیان گومیندان را تماماً یا بطور عمده دست نخورده بگذاریم ، یعنی برای اینکه بتوانیم این سپاهیان را از لحاظ سیاسی آسانتر بطرف خود جلب کنیم و یا بیطرف سازیم ، در مقابل آنها گذشت‌های موقتی نمائیم . ما بدینوسیله میتوانیم نیروهای خود را ابتدا برای نابود کردن قسمت عمده باقیمانده قوای گومیندان متمرکز سازیم و آنگاه پس از مدتی (مثلاً پس از چند ماه ، شش ماه یا يك سال) سپاهیان مذکور را برطبق سیستم ارتش آزادیبخش

طبقاتی در داخل و خارج کشور پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای چین را ارزیابی کرد و بموقع خود هشدار باش داد که « گلوله‌های شکرآلود » بورژوازی بصورت خطر عمده برای پرولتاریا در خواهد آمد . همه اینها به سند حاضر برای يك دوره تاریخی طولانی اهمیتی عظیم میبخشد . این گزارش و مقاله « درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق » که وی در ژوئن همان سال نگاشته است ، اساس سیاستهایی است که در « برنامه مشترك » بیان شده ، برنامه‌ای که بتصویب نخستین جلسه عمومی کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین رسیده و پس از تأسیس چین نوین نقش قانون اساسی موقت را ایفا کرده است . دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب ، براساس این گزارش رفیق مائو سه دون قطعنامه‌ای به تصویب رسانید . پس از این جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان چه به به بی پین انتقال یافت .

توده‌ای تجدید سازمان دهیم و بصورت واحدهای آن ارتش در آوریم . این شکل دیگری از مبارزه است . این شکل مبارزه در قیاس با طریقه بی پین باقیمانده‌های ضد انقلاب و نفوذ سیاسی آنرا بیشتر و تا مدتی طولانی‌تر حفظ خواهد کرد . ولی هیچ شکی نیست که این باقیمانده‌ها و این نفوذ بالاخره از میان برداشته خواهند شد . هرگز نباید پنداشت که نیروهای ضد انقلاب همینکه مطیع ما شدند ، انقلابی میشوند و عقاید و نیات ضد انقلابی آنها از بین میرود . نه ، بهیچوجه اینطور نیست . بسیاری از ضد انقلابی‌ها تجدید تربیت می‌یابند ، بخشی از آنان طرد میگردند و مستی عناصر سرسخت ضد انقلابی سرکوب میشوند .

۲

ارتش آزادیبخش توده‌ای برای همیشه واحدی رزمنده باقی خواهد ماند . حتی بعد از نیل به پیروزی در سراسر کشور ، در دوران تاریخی که هنوز طبقات در کشور ما برنیفتاده‌اند و سیستم امپریالیستی هنوز در جهان بر جاست ، ارتش ما همچنان واحدی رزمنده باقی خواهد ماند . در این مورد نباید هیچ گونه سؤ تفاهم و تزلزلی در میان باشد . ارتش آزادیبخش توده‌ای واحد کار هم هست ؛ این بویژه در موردی صادق است که در مناطق مختلف جنوب برای حل مسائل طریقه بی پین و یا طریقه سوی یوان بکار رود . با کاهش تدریجی نبردها نقش ارتش آزادیبخش توده‌ای بمنزله واحد کار زیاد خواهد شد . امکان اینکه در عرض مدت قلیلی همه ارتش آزادیبخش توده‌ای بصورت واحد کار در آید ، موجود است ؛ ما باید این امکان را در نظر بگیریم ۳۰۰۰ کادری که اینک حاضرند باتفاق

ارتش بجنوب بروند ، بهیچوجه برای مناطق جدید فوق العاده پهناوری که ما بزودی بدست خواهیم آورد ، کافی نیستند ؛ ما باید آماده شویم که کلیه ارتش های صحرائی ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفری خود را بواحدهای کار برگردانیم . باین طریق تعداد کادرها کافی خواهد بود و میتوان کار را در مناطق وسیعی بسط داد . ما باید ارتش های صحرائی ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفری را بمشابه مدرسه بسیار وسیع کادر در نظر بگیریم .

۳

از سال ۱۹۲۷ تا کنون ، مرکز ثقل کار ما در دهات بوده است : ما در دهات نیرو جمع میکردیم ، شهرها را از طریق دهات محاصره میکردیم و سپس تصرف مینمودیم . دوران این شیوه کار دیگر سپری گشته است . اکنون دوران "از شهر به ده" آغاز میشود که در آن شهر رهبر ده است . مرکز ثقل کار حزب از ده بشهر انتقال یافته است . در مناطق جنوبی ، ارتش آزادیبخش توده ای نخست شهرها را تصرف خواهد کرد و سپس دهات را . باید هم به شهرها پرداخت و هم به دهات ، و لازم است که کار در شهرها را با کار در دهات ، کارگران را با دهقانان ، صنایع را با کشاورزی بطور محکم پیوند داد . بهیچوجه نباید دهات را کنار گذاشت و فقط به شهرها پرداخت ؛ چنین فکری بکلی خطا خواهد بود . معذک مرکز ثقل کار حزب و ارتش باید در شهرها باشد ؛ ما باید با تمام نیرو سعی کنیم راه اداره و ساختمان شهرها را یاد بگیریم ، در شهرها ما باید راه مبارزه سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی را علیه امپریالیستها ، گویندان و بورژوازی و همچنین راه مبارزه دیپلماتیک علیه

امپریالیستها را یاد بگیریم . ما باید طرز مبارزه علنی علیه آنها را یاد بگیریم ؛ ما باید طرز مبارزه پنهانی علیه آنها را نیز یاد بگیریم . اگر ما باین مسائل توجه نکنیم ، اگر نیاموزیم که این مبارزات را برضد این اشخاص از پیش ببریم و اگر به پیروزی در این مبارزات نائل نیائیم ، قادر بحفظ قدرت سیاسی خود نخواهیم بود ، قادر بایستادن بر روی دو پای خود نخواهیم بود و شکست خواهیم خورد . پس از نابودی دشمنان تفنگ بدست ، دشمنان بدون تفنگ هنوز بر جا خواهند ماند و اینان مسلماً برضد ما به مبارزه مرگ و زندگی دست خواهند زد ، ما هرگز نباید باین دشمنان کم بها دهیم . اگر ما این مسئله را امروز بدینسان طرح نکنیم و نفهمیم ، مرتکب خطاهای بسیار بزرگی خواهیم شد .

۴

ما در مبارزات خود در شهرها بچه کسی باید تکیه کنیم ؟ بعضی از رفقاییکه دچار آشفتگی فکری اند ، میپندارند که ما نه بطبقه کارگر ، بلکه باید به توده تهیدستان تکیه کنیم . رفقای دیگر که دچار آشفتگی فکری بیشتری هستند ، تصور میکنند که ما باید به بورژوازی تکیه کنیم . در مورد سمت تکامل صنایع ، برخی از رفقای که دچار آشفتگی فکری اند ، بر این نظرند که ما باید بطور عمده به تکامل مؤسسات خصوصی یاری برسانیم و نه به تکامل مؤسسات دولتی . برخی دیگر ، برعکس برآند که کافی است به مؤسسات دولتی توجه شود و مؤسسات خصوصی زیاد مهم نیستند . ما باید این نظرات آشفته را مورد انتقاد قرار دهیم . ما باید با تمام وجود بطبقه کارگر تکیه کنیم ، سایر توده های

زحمتکش را با خود متحد سازیم ، روشنفکران را بسوی خود بکشیم و عناصر بورژوازی ملی و نمایندگان آنها را که میتوانند با ما همکاری کنند ، به تعداد هرچه بیشتر بطرف خود جلب کنیم و یا آنها را به بیطرفی بکشانیم تا آنکه بتوانیم علیه امپریالیستها ، گومیندان و بورژوازی بوروکراتیک بمبارزه‌ای مصممانه دست زنیم و قدم بقدم بر این دشمنان چیره شویم . در عین حال ما کار ساختمانی خود را آغاز خواهیم کرد ، اداره شهرها را بتدریج فرا خواهیم گرفت و تولید آنها را احیاء و تکامل خواهیم بخشید . در مورد مسئله احیاء و تکامل تولید باید مراتب زیرین را تصریح کرد : در درجه اول تولید صنایع دولتی ، در درجه دوم تولید صنایع خصوصی و در درجه سوم تولید پیشه‌وری . ما از همان روزیکه شهری را گرفتیم ، باید توجه مانرا به احیاء و تکامل تولید آن شهر معطوف کنیم . ما نباید کورکورانه و برحسب تصادف دست بکار شویم و وظیفه مرکزی خود را فراموش کنیم ، والا چند ماه پس از تسخیر یک شهر ، تولید و ساختمان آن شهر هنوز براه صحیح نمی‌افتند و حتی بسیاری از شاخه‌های صنعتی از کار باز میایستند و در نتیجه ، موجب بیکاری کارگران ، تنزل سطح زندگی آنها و نارضایتی از حزب کمونیست میگردد . چنین وضعی بهیچوجه مجاز و قابل تحمل نیست . از اینرو رفقای ما باید حداکثر مساعی خود را بکار برند تا تکنیک‌های تولید و شیوه‌های مدیریت اسور تولیدی را بیاموزند و با اموری که با تولید در ارتباط نزدیکند ، مانند تجارت و بانکداری وغیره آشنا گردند . فقط در اثر احیاء و تکامل تولید در شهرها و تبدیل شهرهای مصرف کننده به شهرهای تولید کننده است که قدرت سیاسی خلق میتواند استحکام یابد . وظایف دیگری که در شهرها باید انجام گیرد - مثلاً کار تشکیلاتی حزب ، کار در ارگان‌های

حکومتی ، در اتحادیه‌های کارگری و سایر سازمان‌های توده‌ای ، کار در زمینه فرهنگ و آموزش ، کار برانداختن ضد انقلابیون ، کار در خبرگزاریها ، روزنامه‌ها و رادیو — همه باید در حول وظیفه مرکزی یعنی تولید و ساختمان صورت گیرد و در خدمت آن باشد . اگر ما هیچ سررشته‌ای از تولید نداشته باشیم و نتوانیم معلومات لازم را در این زمینه بسرعت کسب کنیم ، اگر نتوانیم تولید را در کوتاه‌ترین مدت ممکن احیاء و تکامل بخشیم و به پیشرفت‌های واقعی نائل آئیم بطوریکه در درجه اول زندگی کارگران ، سپس زندگی عموم مردم بهبود یابد ، قادر بحفظ قدرت سیاسی خود ، قادر بایستادن بر روی دو پای خود نخواهیم بود و شکست خواهیم خورد .



در جنوب ، شرایط با شمال فرق میکند و بالنتیجه وظایف حزب نیز در آنجا باید متفاوت باشد . جنوب هنوز هم زیر سلطه گومیندان است . در آنجا وظایف حزب و ارتش آزادیبخش توده‌ای عبارتند از نابود کردن قوای مسلح ارتجاعی گومیندان در شهر و روستا ، استقرار سازمانهای حزبی و ارگانهای قدرت سیاسی ، بسیج توده‌ها ، ایجاد اتحادیه‌های کارگری و مجمع‌های دهقانی و سایر سازمانهای توده‌ای ، سازماندهی نیروهای مسلح خلق ، ریشه‌کن کردن بقایای نیروهای گومیندان و احیاء و تکامل تولید . در دهات نخستین وظیفه ما اینستکه برای برانداختن راهزنان و قیام علیه مستبدان محلی یعنی آن بخشی از طبقه مالکان ارضی که در حکومت‌اند قدم بقدم وارد مبارزه شویم و تدارکات لازم را برای

تقلیل بهره مالکانه و ربح اتخاذ کنیم تا آنکه این تقلیل يك يا دو سال پس از ورود ارتش آزادیبخش توده‌ای عملی گردد و بدین ترتیب شرایط مقدماتی برای تقسیم اراضی فراهم آید. در عین حال باید مراقب بود که تولید کشاورزی حتی المقدور در سطح کنونی بماند و از آن تنزل نکند. در شمال، باستانی چند منطقه تازه آزاد شده، بکلی شرایط دیگری موجود است. در اینجا سلطه گومپندان واژگون شده و سلطه خلق بر پا گردیده و مسئله ارضی از ریشه حل شده است. در اینجا وظیفه مرکزی حزب عبارتست از بسیج کلیه نیروها برای احیاء و تکامل تولید؛ این باید مرکز ثقل همه کارهای ما باشد. بعلاوه باید کار فرهنگی و آموزشی را از نو سازمان داد و تکامل بخشید، بقایای نیروهای ارتجاعی را از میان برداشت، وضع سراسر شمال را مستحکم نمود و از ارتش آزادیبخش توده‌ای پشتیبانی کرد.

۶

ما در ساختمان اقتصادی خود کار پردازنده‌ای انجام داده‌ایم، سیاست اقتصادی حزب نیز بمرحله عمل درآمده و به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای رسیده است. ولی در این مسئله که چرا باید این سیاست اقتصادی و نه آن سیاست اقتصادی را پذیرفت، در این مسئله تئوریک و اصولی هنوز نظرات در هم و بر هم بسیاری در درون حزب موجود است. چگونه باید باین مسئله پاسخ داد؟ بنظر ما پاسخ باین مسئله باید چنین باشد: پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی، سهم صنایع و کشاورزی در اقتصاد ملی چین در مقیاس کشوری عبارت بود از تقریباً ۱۰ درصد برای صنایع مدرن

و ۹ درصد برای کشاورزی و پیشه‌وری . این نتیجه ستم امپریالیسم و فئودالیسم بر چین بود . این از لحاظ اقتصادی ، مظهر خصالت نیمه مستعمره و نیمه فئودالی جامعه چین کهن بود ؛ و در عین حال ، منشاء اصلی کلیه مسائل دوران انقلاب چین و کلیه مسائل دوران نسبتاً طولی است که پس از پیروزی انقلاب فرا میرسد . از اینجا يك سلسله مسائل مربوط به استراتژی ، تاکتیک و سیاست حزب ما ناشی میشود . وظیفه مهم حزب ما در لحظه کنونی اینستکه بدرک روشن‌تر و حل این مسائل نائل آید . باین معنی :

- ۱ - چین هم اکنون دارای صنایع مدرنی است که تقریباً ۱۰ درصد اقتصاد آنرا تشکیل میدهد . این يك عامل ترقی است ، این با عهد قدیم فرق دارد . و درست بهمین علت است که در چین طبقات جدید و احزاب سیاسی جدید پدید آمده‌اند : پرولتاریا و بورژوازی ، حزب پرولتاریائی و حزب بورژوائی . پرولتاریا و حزب آن بعلت رنج و ستمی که از دشمنان رنگارنگ دیده‌است ، آبدیده شده و برای رهبری انقلاب خلق چین شایستگی یافته‌است . کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد ، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی راست خواهد شد .
- ۲ - چین هنوز دارای اقتصاد کشاورزی و اقتصاد پیشه‌وری پراکنده و انفرادی است که تقریباً ۹۰ درصد تمام اقتصاد آنرا تشکیل میدهند . این يك عامل عقب ماندگی است و فرق زیادی با عهد قدیم ندارد - تقریباً ۹۰ درصد زندگی اقتصادی ما هنوز در سطح عهد قدیم است . ما مالکیت ارضی فئودالی را که از چین باستان بما رسیده‌است ، لغو کرده و یا بزودی لغو خواهیم کرد . از این لحاظ ما با گذشتگان فرق داریم و یا بزودی فرق خواهیم داشت و امکان داریم و یا بزودی اسکان

خواهیم داشت که کشاورزی و پیشه‌وری خویش را بتدریج مدرنیزه کنیم. معذک اگر شکل عمده آنها را در نظر بگیریم، کشاورزی و پیشه‌وری ما امروز هنوز پراکنده و انفرادی است، یعنی شبیه بان شکلی است که در عهد قدیم بوده‌است و تا مدت نسبتاً طولی چنین خواهد ماند. کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی "چپ" خواهد شد.

۳ - صنایع مدرن چین، اگر چه ارزش تولیدی‌اش فقط ۱۰ درصد ارزش کل تولید اقتصاد ملی است، بسیار متمرکز است؛ بزرگترین و عمده‌ترین قسمت سرمایه در دست امپریالیستها و چاکران آنها یعنی بورژوازی بوروکراتیک چین متمرکز شده‌است. مصادره این قسمت از سرمایه و انتقال آن به جمهوری توده‌ای که تحت رهبری پرولتاریا است، بوی امکان خواهد داد که شریان‌های حیاتی اقتصاد کشور را در دست بگیرد، و به اقتصاد دولتی امکان خواهد داد که بصورت بخش رهبری کننده تمام اقتصاد ملی در آید. این بخش از اقتصاد خصلتاً سوسیالیستی است نه سرمایه‌داری. کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی راست خواهد شد.

۴ - صنایع سرمایه‌داری خصوصی چین که در صنایع مدرن ما مقام دوم را میگیرد، نیروئی است که نباید نادیده گرفته شود. بورژوازی ملی چین و نمایندگان‌ش که در فعالیت خود بوسیله امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک تحت فشار قرار گرفته و یا محدود شده‌اند، غالباً در مبارزات انقلاب دموکراتیک توده‌ای شرکت جسته و یا بیطرفی اختیار کرده‌اند. بنابراین دلائل و از آنجا که اقتصاد چین هنوز عقب مانده‌است، تا مدت نسبتاً مدیدی پس از پیروزی انقلاب لازم است

که حتی المقدور از عوامل مثبت سرمایه‌داری خصوصی شهرها و دهات برای تکامل اقتصاد ملی استفاده شود. در این دوره باید به کلیه عناصر سرمایه‌داری شهری و روستائی که بحال اقتصاد ملی زیانمند نیستند بلکه سودمندند، امکان وجود و تکامل داد. این امر نه فقط اجتناب‌ناپذیر است، بلکه از لحاظ اقتصادی ضرور است. معذک وجود و تکامل سرمایه‌داری در چین چنان بدون مانع و محدودیت مانند کشورهای سرمایه‌داری نخواهد بود. سرمایه‌داری در چین از چند جانب محدود خواهد شد — در میدان عمل آن، از راه سیاست مالیاتی، از راه قیمت‌های بازار و از راه شرایط کار. ما برحسب شرایط خاص هر محل، هر رشته و هر دوره، سیاست مناسب و نرمش‌پذیری بمنظور تحدید سرمایه‌داری از چند جانب، اختیار خواهیم کرد. برای ما لازم و مفید است که از شعار "تحدید سرمایه" که سون یاتسن اعلام میداشت استفاده کنیم. ولی ما بخاطر منافع مجموعه اقتصاد ملی و بخاطر منافع حال و آینده طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش نباید اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی را بوجه افراط‌آمیز و یا نرمش‌ناپذیر محدود کنیم؛ بلکه باید عرصه‌ای برای او بگذاریم تا بتواند در چارچوب سیاست اقتصادی و برنامه‌گزاری اقتصادی جمهوری توده‌ای وجود داشته باشد و تکامل یابد. سیاست تحدید سرمایه‌داری خصوصی ناگزیر بدرجات مختلف و بشکل‌های گوناگون با مقاومت بورژوازی و مخصوصاً صاحبان بنگاههای بزرگ خصوصی یعنی سرمایه‌داران بزرگ برخورد خواهد کرد. تحدید و مخالفت با این تحدید، شکل عمده مبارزه طبقاتی در دولت دسوکراسی نوین خواهد بود. این تصور که ما در لحظه کنونی احتیاجی به تحدید سرمایه‌داری نداریم و میتوانیم شعار "تحدید سرمایه" را بدور افکنیم، بکلی غلط است

و نظری است ناشی از اپورتونیسم راست . ولی عکس این نظر که ما باید بطور افراطی و نرمش ناپذیر سرمایه خصوصی را تحدید کنیم و یا اینکه ما حتی میتوانیم سرمایه خصوصی را خیلی سریع از میان برداریم ، نیز بکلی غلط است و نظری است ناشی از اپورتونیسم "چپ" یا آوانتوریسم .

۰ - کشاورزی و پیشه‌وری پراکنده و انفرادی که ۹ درصد ارزش کل تولید اقتصاد ملی را تشکیل میدهند ، ممکن است و باید در تکامل خود محتاطانه ، تدریجی ، ولی فعالانه بسوی مدرنیزه شدن و کلکتیوه شدن هدایت شوند ؛ این نظر که میتوان آنها را بحال خود وا گذاشت ، خطاست . از اینجهت باید کثوپراتیوهای تولید ، مصرف و اعتبار را تشکیل داد و ارگانهای رهبری آنها را در مقیاس تمام کشور ، استان ، شهر ، شهرستان و بخش بوجود آورد . اینگونه کثوپراتیوها سازمانهای اقتصادی جمعی توده‌های زحمتکش هستند که براساس مالکیت خصوصی بر پا میشوند و زیر اداره قدرت دولت که بوسیله پرولتاریا رهبری میشود ، قرار دارند . این واقعیت که خلق چین از لحاظ فرهنگی عقب مانده‌است و در تشکیل کثوپراتیوها سنتی ندارد ، ممکن است برای ما دشواری‌هایی به پیش آورد ، ولی ما میتوانیم و باید کثوپراتیوها را تشکیل دهیم و آنها را تعمیم و تکامل بخشیم . اگر ما فقط اقتصاد دولتی داشته باشیم ، ولی فاقد اقتصاد کثوپراتیو باشیم ، نخواهیم توانست اقتصاد انفرادی خلق زحمتکش را در راه گذار تدریجی به جمعی شدن رهبری کنیم ، نخواهیم توانست از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی آینده بگذریم و نخواهیم توانست هژمونی پرولتاریا را در قدرت دولت تحکیم کنیم . کسیکه این واقعیت را از دیده فرو گذارد و یا کوچک بشمارد ، نیز مرتکب اشتباهات بسیار فاحش خواهد شد .

اقتصاد دولتی که دارای خصالت سوسیالیستی است ، اقتصاد کثوپراتیو که دارای خصالت نیمه سوسیالیستی است ، باضافه اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی ، اقتصاد انفرادی و اقتصاد سرمایه‌داری دولتی که بوسیله دولت و سرمایه‌داران مشترکاً اداره میشود - همه بخشهای اصلی اقتصاد جمهوری توده‌ای خواهند بود و ترکیب اقتصادی دموکراسی نوین را تشکیل خواهند داد .

۶ - احیاء و تکامل اقتصاد ملی جمهوری توده‌ای بدون سیاست نظارت بر تجارت خارجی غیر ممکن است . حتی آن هنگام که امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک و سلطه گومپندان (که بیان فشرده امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک است) در چین از میان بروند ، مسئله بنای سیستم صنعتی مستقل و کامل هنوز حل نخواهد شد . این مسئله فقط زمانی بطور نهائی حل میشود که کشور ما به تکامل عظیم اقتصادی برسد و از صورت کشور کشاورزی عقب‌مانده بصورت کشور صنعتی پیشرفته درآید . نیل باین هدف بدون نظارت بر تجارت خارجی غیر ممکن است . پس از پیروزی انقلاب چین در سراسر کشور و حل مسئله ارضی ، باز دو تضاد اساسی در چین همچنان بر جای خواهند ماند . اولی تضادی داخلی است یعنی تضاد بین طبقه کارگر و بورژوازی است ؛ و دومی تضادی خارجی است یعنی تضاد بین چین و کشورهای امپریالیستی . از اینرو پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای ، قدرت دولت جمهوری توده‌ای که تحت رهبری طبقه کارگر قرار دارد ، نباید تضعیف شود ، بلکه بالعکس باید تقویت گردد . تحدید سرمایه در داخل کشور و نظارت بر تجارت خارجی ، دو سیاست اساسی کشور ما در مبارزه اقتصادی خواهد بود . کسیکه این واقعیت را از دیده

فرو گذارد و یا کوچک بشمارد ، مرتکب اشتباهات بسیار فاحش خواهد شد .

v - چین اقتصاد عقب مانده ای را بارث برده است . ولی خلق چین خلقی شجاع و زحمتکش است و با پیروزی انقلاب خلق چین و تأسیس جمهوری توده ای و با رهبری حزب کمونیست چین و نیز با کمک طبقه کارگر کشورهای مختلف جهان و بطور عمده کمک اتحاد شوروی ، آهنگ ساختمان اقتصادی چین زیاد کند نخواهد بود ، بلکه میتواند نسبتاً تند باشد . روزی که چین به رونق و اعتلای اقتصادی برسد ، چندان دور نیست . هرگونه بدبینی در مورد احیاء اقتصادی چین ، بی اساس است .

v

چین کهن ، کشوری بود نیمه مستعمره و زیر سلطه امپریالیسم . انقلاب دموکراتیک توده ای چین از آنجا که خصالت عمیقاً ضد امپریالیستی دارد ، مورد بغض و کینه شدید امپریالیستها واقع شد و آنها را بر آن داشت که با تمام نیرو به گوسیندان کمک کنند . امپریالیستها با این عمل خشم و انزجار بازهم عمیق تر خلق چین را نسبت بخویش برانگیخته و آن یکذره حیثیتی را که در نزد خلق چین داشتند ، از دست دادند . در عین حال سیستم امپریالیستی پس از دومین جنگ جهانی در مجموع بسیار ضعیف شد ، حال آنکه قدرت جبهه ضد امپریالیستی جهان که اتحاد شوروی در رأس آن قرار دارد ، بطور بی سابقه ای افزایش یافت . در چنین اوضاع و احوالی ما میتوانیم و باید سیاست تخریب

سیستماتیک و کامل سلطه امپریالیسم را در چین در پیش گیریم . این سلطه امپریالیسم در زمینه های سیاست ، اقتصاد و فرهنگ بظهور میرسد . در هر شهر و در هر جا که ارتش گومیندان نابود میگردد و دولت گومیندان سرنگون میشود ، سلطه سیاسی امپریالیستها و بهمین ترتیب سلطه اقتصادی و فرهنگی آنها نیز بدنبال آن فرومیریزد . اما بنگاههای اقتصادی و فرهنگی که مستقیماً بدست امپریالیستها اداره میشوند ، همچنان برجا هستند و کارسندان دیپلماتیک و روزنامه نگارانی که گومیندان پذیرفته است ، نیز همچنان برجا میمانند . ما باید همه این مسائل را بطور مناسب و بترتیب فوریت حل کنیم . خودداری از برسمیت شناختن وضع قانونی همه نمایندگی ها و کارسندان دیپلماتیک خارجی در دوره حکومت گومیندان و برسمیت نشناختن کلیه قراردادهای آن دوره که حاکی از خیانت ملی است ، حذف ارگانهای تبلیغاتی امپریالیستها در چین ، برقراری فوری نظارت بر تجارت خارجی و اصلاح سیستم گمرکی - اینهاست نخستین اقداماتی که ما باید در موقع ورود به شهرهای بزرگ اتخاذ کنیم . خلق چین پس از آنکه این کارها را انجام داد ، در برابر امپریالیستها تمام قد خواهد ایستاد . در مورد سایر بنگاههای اقتصادی و فرهنگی امپریالیستی ، ما میتوانیم آنها را موقتاً باقی بگذاریم و تحت مراقبت و نظارت خود قرار دهیم تا آنکه پس از پیروزی در سراسر کشور این مسئله را حل نمائیم . در مورد اتباع معمولی خارجی ، منافع مشروع آنها حمایت خواهد شد و مورد تجاوز قرار نخواهد گرفت . در مورد مسئله برسمیت شناختن کشورها از طرف کشورهای امپریالیستی ، نه فقط اکنون ، بلکه حتی تا یک دوره نسبتاً طولانی پس از پیروزی در سراسر کشور نیز نباید در حل آن عجله کرد . ما حاضریم با کلیه کشورها بر پایه اصل برابری ، روابط دیپلماتیک

برقرار سازیم . اما امپریالیستها که همیشه خصم خلق چین بوده‌اند ، مسلماً بزودی با ما به برابری رفتار نخواهند کرد . تا وقتی که کشورهای امپریالیستی روش خصمانه خود را ترك نگویند ، ما در چین بآنها وضع قانونی نخواهیم داد . در مورد تجارت با خارجیان جای بحث نیست ، جائیکه امکان تجارت باشد ، ما تجارت میکنیم و از هم اکنون این کار را آغاز کرده‌ایم ؛ بازرگانان چندین کشور سرمایه‌داری در این مورد با یکدیگر وارد رقابت شده‌اند . ما باید حتی المقدور در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای دموکراسی توده‌ای تجارت کنیم ؛ ما در عین حال با کشورهای سرمایه‌داری هم تجارت خواهیم کرد .

۸

کلیه شرایط برای دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک فراهم آمده‌است . کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه سازمانهای توده‌ای و کلیه دموکراتهای بی حزب ، در صف ما هستند . بورژوازی شانگهای و حوزه رودخانه یان تسه در جستجوی برقراری ارتباط با ماست . حمل و نقل بحری و روابط پستی بین شمال و جنوب کشور از سر گرفته شده‌است . گویندگان که در درون خود دچار تشتت است ، بکلی از توده‌ها جدا شده‌است . ما برای مذاکره با دولت ارتجاعی نانکن (۲) آماده میشویم . در دولت ارتجاعی نانکن نیروهایی که تحریک کننده مذاکره‌اند ، عبارتند از دیکتاتورهای نظامی دارودسته گوان سی ، آن گروه‌هایی از گویندگان که هوادار صلح‌اند و بورژوازی شانگهای . هدف آنها اینست که در دولت ائتلافی سهمی داشته باشند ، حتی المقدور

سپاهیان خود را نگهدارند ، منافع بورژوازی شانگهای و جنوب را حفظ کنند و تمام کوشش خویش را بکار برند تا آنکه انقلاب به ملایمت بگراید . این اشخاص شروط هشت‌گانه ما را بعنوان پایه مذاکرات می‌پذیرند ، ولی میکوشند که چانه بزنند تا خساراتشان خیلی زیاد نشود . کسانی که سعی دارند این مذاکرات را بهم بزنند ، عبارتند از چانکایشک و سوگند خورده‌هایش . چانکایشک هنوز در جنوب رودخانه یان تسه . ۴ لشکر در اختیار دارد که برای جنگ آماده میشوند . سیاست ما این نیست که از مذاکره سر بیچیم ، بلکه اینست که بطلبیم طرف ما شروط هشت‌گانه را عیناً بپذیرد و هیچ چانه زدنی را قبول نکنیم . در عوض ، ما به دارودسته گوان سی و فراکسیونهای دیگر گومیندان که هوادار صلح‌اند ، حمله نخواهیم کرد و حتی حاضریم که تجدید سازمان سپاهیان آنها را تقریباً يك سال بعقب بیندازیم ؛ ما به برخی از شخصیت‌های دولت نانکن اجازه خواهیم داد در کنفرانس مشورتی سیاسی و در دولت ائتلافی شرکت جویند و قبول خواهیم کرد که پاره‌ای از منافع بورژوازی شانگهای و جنوب را حفظ کنیم . این مذاکرات جنبه تمام کشوری خواهد داشت و اگر این مذاکرات با موفقیت پایان یابد ، امتیاز بزرگش اینستکه موانع بسیاری را از جلو پیشروی ارتش ما بسوی جنوب و اشغال شهرهای بزرگ جنوب بر میدارد . ولی اگر این مذاکرات با موفقیت بانجام نرسد ، آنگاه باید پس از پیشروی ارتش ما به مذاکرات جداگانه محلی دست زد . پیش‌بینی شده‌است که مذاکرات در دهه آخر مارس شروع میشود . ما امیدواریم که نانکن را در آوریل یا مه اشغال کنیم و آنگاه از کنفرانس مشورتی سیاسی در بی‌پین دعوت بعمل آوریم و دولت ائتلافی را تشکیل دهیم و پایتخت را در بی‌پین مستقر سازیم . ما از آنجا که مذاکرات

را پذیرفته‌ایم ، باید منتظر مشکلاتی باشیم که پس از موفقیت مذاکرات بظهور خواهند رسید ؛ ما باید با ذهن روشن آماده باشیم تا با تاکتیکی که طرف بکار خواهد برد ، یعنی با تاکتیک سون او کون ، شاه سیمونها که در شکم شاهزاده خانم بادبزن آهنین فرو خزید تا در آنجا فتنه پیا کند ، مقابله کنیم (۳) . تا وقتی که ما از نظر روانی آمادگی کامل داریم ، میتوانیم بر هر سیمون ابلیس سیرتی غلبه کنیم . ما باید در مذاکرات صلح چه در مقیاس تمام کشوری و چه در مقیاس محلی همیشه در برابر چنین احتمالاتی آماده باشیم . ما نباید بعلت ترس از زحمات و یا بعلت آرامش طلبی ، از مذاکرات روی بر تائیم و همچنین نباید با افکار مبهم و در هم وارد مذاکره شویم . ما باید بر سر اصول ایستادگی کنیم و در عین حال هر گونه نرمشی را که اجرای اصول بما اجازه میدهد و ایجاب میکند ، بکار بریم .

۹

دیکتاتوری دموکراتیک خلق که تحت رهبری پرولتاریا و متکی بر اتحاد کارگران و دهقانان است ، ایجاب میکند که حزب ما صدیقانه با همه طبقات کارگر و دهقان و با توده‌های وسیع روشنفکران انقلابی وحدت یابد ؛ اینها نیروهای رهبر و اصلی این دیکتاتوری‌اند . این دیکتاتوری بدون چنین وحدتی نمیتواند پا بر جا بماند . این دیکتاتوری در عین حال از حزب ما میطلبد که تعداد هر چه بیشتری از نمایندگان خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را که ممکن است با ما همکاری کنند و همچنین روشنفکران و گروه‌های سیاسی آنها را گرد خویش متحد سازد تا آنکه

در طول دوران انقلاب بتواند نیروهای ضد انقلابی را منفرد نماید ، نیروهای ضد انقلابی و نیروهای امپریالیستی را در چین کاملاً در هم بگوید و سپس ، وقتی که انقلاب پیروز شد ، تولید را سریعاً احیا و تکامل بخشد ، بمقابله با امپریالیسم خارجی پردازد ، چین را با قدم‌های مطمئن از صورت کشوری کشاورزی بصورت کشوری صنعتی در آورد و از چین يك کشور بزرگ سوسیالیستی بسازد . بنا بر این سیاست همکاری طولانی حزب ما با دموکراتهای خارج از حزب باید در فکر و در کار سراسر حزب ما بخوبی جایگیر شود . ما باید نسبت به اکثریت دموکراتهای خارج از حزب همانقدر توجه داشته باشیم که به کادرهای حزب خود داریم . ما باید مسائلی را که مستلزم مشورت و حل هستند ، با آنها با صمیمیت و صراحت کامل مشورت و حل کنیم ، با آنها کار دهیم ، مسئولیت و اختیاراتی که وابسته بمشاغلشان است واگذار کنیم و با آنها در احراز موفقیت در کار خویش یاری برسانیم . ما با داشتن آرزوی وحدت با آنها باید بطرز جدی و مناسب خطاها و نقایص آنان را مورد انتقاد قرار دهیم و یا با آن خطاها و نقایص مبارزه کنیم تا آنکه بوحدت نائل آئیم . نادرست است اگر در مورد خطاها و یا نقایص آنها روش سماشات در پیش گرفته شود . همچنین نادرست است اگر در مورد آنها روش درهای بسته و یا روش صوری محض اتخاذ گردد . در هر شهر بزرگ یا متوسط ، در هر منطقه استراتژیک و در هر استان ، ما باید بعدهای از دموکراتهای خارج از حزب که نفوذ و اعتبار دارند و ممکن است با ما همکاری کنند ، آموزش بدهیم . در برخورد با دموکراتهای خارج از حزب روش نادرستی که در حزب ما در اثر سبک باصطلاح درهای بسته در هنگام جنگ انقلابی ارضی بوجود آمده بود ، در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی کاملاً اصلاح

نشد و در سال ۱۹۴۷ موقعیکه اصلاحات ارضی در پایگاه‌های ما به بحبوحه خود رسید ، دو باره ظهور کرد . نتیجه این روش جز این نیست که حزب ما را منفرد گرداند ، تحکیم دیکتاتوری دموکراتیک خلق را غیرممکن سازد و متحدینی به دشمنان ما بخشد . اینک که کنفرانس مشورتی سیاسی برای نخستین بار در چین تحت رهبری حزب ما بزودی تشکیل میشود ، اینک که دولت ائتلافی دموکراتیک بزودی بوجود میاید و انقلاب در سراسر کشور بزودی به پیروزی میرسد ، سراسر حزب ما باید به بررسی جدی و انتقادی این مسئله پردازد و آنرا بطور صحیح درک کند ؛ باید با دو انحراف مبارزه کند : انحراف راست یعنی روش مماشات و انحراف "چپ" یعنی روش درهای بسته و یا روش صوری محض ، و بدین ترتیب روش کاملاً درستی اتخاذ نماید .

۱۰

ما بزودی به پیروزی در سراسر کشور نائل خواهیم شد . این پیروزی جبهه خاوری امپریالیسم را در هم خواهد شکست و اهمیت بین‌المللی عظیمی خواهد داشت . دیگر برای بچنگ آوردن این پیروزی ، زمان و کوشش زیاد لازم نیست ، بلکه فقط برای تحکیم آن زمان و کوشش بسیار لازم است . بورژوازی در اینکه ما بتوانیم کشور خود را بسازیم ، تردید میکند . امپریالیستها منتظرند که ما بالاخره برای بقاء خویش از آنها صدقه بخواهیم . در اثر پیروزی ممکن است در داخل حزب ما چنین روحیه‌هایی پیدا شود : تکبر و غرور ، تفرعن و بالیدن به خدمات گذشته ، رخوت و عدم تمایل پیشرفت و ترقی ، علاقه به لذایذ و

خودداری از ادامه زندگی سخت گذشته . در اثر پیروزی خلق از ما سپاسگزار خواهد شد و بورژوازی بما تملق خواهد گفت . این دیگر ثابت شده است که دشمن نمیتواند با نیروی اسلحه بر ما چیره شود ، ولی امکان این هست که تملق های بورژوازی افراد ضعیف الاراده را در صفوف ما مغلوب سازد . ممکن است کمونیستهای پیدا شوند که در گذشته مغلوب دشمن تفنگ بست نشده و بخاطر ایستادگی در برابر دشمن شایسته نام قهرمان باشند ، ولی اکنون نتوانند در مقابل گلوله های شکرآلود تاب مقاومت بیاورند ؛ آنها مغلوب گلوله های شکرآلود خواهند شد . ما باید از وقوع اینگونه حالات پیشگیری کنیم . بچنگ آوردن پیروزی سراسری کشور ، تنها نخستین گامی است از یک راه پیمائی دور و دراز ده هزار لی . اگر این گام شایسته افتخار هم باشد ، نسبتاً ناچیز است ، آنچه که بیشتر شایسته افتخار ما خواهد بود ، هنوز در جلوی ماست . پس از چند ده سال دیگر اگر بعقب نگاه کنیم ، پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای چین چیز دیگری جز سرآغاز کوتاهی بر نمایشناسه ای طولانی بنظر نخواهد رسید . هر نمایشنامه با سرآغازی شروع میشود ، ولی سرآغاز نمایشنامه بحبوحه نمایشنامه نیست . انقلاب چین انقلاب کبیری است ، ولی پس از این انقلاب راهی که باید پیموده شود ، بسیار طولانی تر و کار ما بس خطیرتر و سختتر خواهد بود . این نکته ایست که باید از هم اکنون در حزب ما روشن گردد . به رفقا باید کمک شود تا در سبک کار خود کمافی السابق فروتن ، با حزم و عاری از هر گونه تکبر و شتابزدگی بمانند ، و شیوه زندگی ساده و مبارزه سرسختانه را حفظ کنند . ما سلاح مارکسیستی - لنینیستی انتقاد و انتقاد از خود را در دست داریم . ما قادریم که اسلوبهای ناپسند را بدور